درون‌نگری با جان‌مایه مبارزه با استکبار است

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر و کارشناس روابط بین‌الملل

■ حسن فرامرزی

گاهی واژه‌های به شدت معروف و پربسامد سرنوشت غریبی پیدا می‌کنند. آن سرنوشت غریب این است: گمان می‌کنیم می‌دانیم درباره چه سخن می‌گوییم اما در حقیقت این دانستن بیشتر از جنس توهم دانایی است. گاهی ما واژه‌های پرکاربرد را محصور در تجربه یا برداشت شخصی، محصور در قالب‌ها و تلقی‌های ذهنی خود می‌کنیم. گاهی رسانه‌ها عمق چندانی در این‌باره ایجاد نمی‌کنند و همه چیز در سطحی‌ترین شکل ممکن برگزار می‌شود. چهار دهه و اندی است که واژگان استکبار و استکبارستیزی به گوش ما می‌خورد اما مواجهه ما با این کلمات تا چه اندازه عمیق بوده است؟ از طرفی با تعارضی که ظاهرا بین مناسبات جهان امروز و آرمان‌هایی از این دست وجود دارد چه کنیم؟ گفت‌وگوی ما با دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر فرهنگی و کارشناس روابط بین‌الملل به این موضوعات می‌پردازد.

عکس: محمدرضا باقری

در بیانات رهبری به مناسبت ۱۳آبان تا حدی که من درک کرده‌ام، این نکته بر جسته بود که مبارزه با استکبار یک امر جغرافیایی و غیر عقلایی نیست. گاهی ما نسبت به رودنامه واژه‌ها متناسب با فهم و دهنیت خودمان بر خورد می‌کنیم و راه را به بیراهه می‌بریم. مانند در همان سخنرانی به این نکته پرداختند که مبارزه با استکبار یک امر دائمی است و لازم است که در متن زندگی ما جریان داشته باشد. اگر بخواهیم کمی روی این موضوع عمیق شویم واقعا مبارزه با استکبار به چه معناست؟

مسئله دقیقا اینجاست، وقتی شما چهان بینی‌ای دارید که در آن ماورای ماده به رسمیت شناخته می‌شود، برخی کسانی می‌کند پذیرش ماورای ماده به معنای خصومت یا ماده است، پذیرش و تأکید بر آخرت به معنای نادیده گرفتن دنیاست. این یک برداشت کاملا غلط و انحرافی است. اساسا انقلاب اسلامی و مدل اجرایی و حکومتی آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی برای فعلیت در آمدن حاکمیت دین خدا تشکیل شد و باور ما بر این است جامعه باشکل و هندسه دینی زندگی خود را می‌تواند تأمین کند. یعنی حکومت با هندسه دینی اقدام کند و در کنار آن چارچوب رفتار و زندگی مردم هم الهی باشد. اسلام با یدفرقن ماورای ماده، مادیات را نفی نکرده بلکه برای آن حدودی قائل شده و آن حدود را متطبق بر کلام خدا و پیامبر عزیز و سیره معصومین و ولی‌فقیه قرار داده است. حب تعیین کننده این حدود کیست. اصل مهم این ساختار را خداوند متعال و دینش تعیین کرده است اما در مصالحی که به تحدید حدود نیاز دارد، معتقدیم ولی‌فقیه عهده‌دار امور است تا چارچوب سیاست‌ها برای حرکت و تلاش منتهی به زندگی خوب شکل بگیرد.

حب جراغ عمل این حرکت منتهی به زندگی خوب یا ضعف‌های غیر قابل انکار روبرو است؟

مشکلی که ما در کشورمان داریم تربیت نشدن حکمران بر پایه ترکیبی از این دو مؤلفه است، ما در این زمینه ضعف داریم. کسانی که در سطوح مختلف مدیران، به یک فهم و تربیت عمیق هم از مناسبات جهان ماده و هم ماورای آن رسیده باشند، یعنی بالاخره انقلاب اسلامی، بعد از ۴۶ سال که از عمرش می‌گذرد و مدل اجرایی‌اش که نظام جمهوری اسلامی است باید به این بلوغ برسد که حکمران هایی در این چارچوب از هر سلیقه‌ای تربیت کند. چون انسجام درونی نظام جمهوری اسلامی در حرکت، رفتار، اقدام و عمل معطوف به این ضرورت است. خاطر تان باشد، حضرت آقا در دو شعار از شعارهای سال به کلیدواژه انسجام درونی در کنار مفاهیم اقتصادی اشاره داشتند. حالا بعضی‌ها می‌گویند ما که دچار تحریم هستیم و ۴۶ سال است مستکبرین دنیا به ما حمله می‌کنند. ما باید چه کنیم، در صورتی که ما رشد خود را مرهون همین تنگناهایی هستیم که دنیای استکبار برای ما به وجود آورده است. مصداق عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. تحریم اتفاقا فضای خوبی است. کشوری که دچار تحریم شده در روند گرا می‌شود. این دورنگرایی باعث درون‌زایی می‌شود و درون‌زایی به انسجام درونی ختم می‌شود. اینها در پشت سرهم قرار دارند و این انسجام درونی باعث محکم شدن ریشه‌های اداره امور اجرایی در کشور می‌شود. شما ببینید بهترین پیشرفت‌های ما در حوزه‌های تکنولوژی دفاعی و نظامی در اوج دوران تحریم بوده است.

خب این درون‌زایی و انسجام درونی مقدمه خوبی برای بازگرفتن عرصه‌های مختلف فضای بین‌الملل و جهان امروز است.

من می‌پذیرم، تنگناها می‌توانند در شرایطی دنیا بر خوردار شوند.

با این دید، از چیزی که ملت در ابتدای انقلاب انتخاب کرد و تا به امروز هم باید باشد و ان شاءالله تا ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) تداوم خواهد یافت، این بود که ما نباید در برابر استکبار تسلیم شویم. ما باید ایستادگی کنیم. ضمن اینکه حواسمان باشد خودمان هم مستکبر نشویم. یعنی نفی استکبار، نفی استکبارپذیری و نفی استکبارگری. مصداق این قضیه هم این است که اکنون ۴۶ سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد و انقلاب اسلامی به هیچ جایی در کره‌ارض، حتی همسایگان خود هیچ تعرض و حمله‌ای نداشته است. جالب است در حافظه تاریخی خود وقتی به حضور ایرانیان در حال حاضر در برخی از کشورهای آفریقا مثل شرق، جنوب، غرب حتی شمال آفریقا سابقه حضور ایرانی‌ها دقیقا با سابقه تمام خارجی‌ها متفاوت است. به عنوان کسی که از نزدیک با ملت‌ها در فضای بین‌الملل مواجهه نزدیک داشته‌ام، علاوه بر گواهی بسیاری از کتب و مقالات، هم موقع نزد یک آفریقایی به تاریخ اولشوه کتی و تجربه‌ای از ظلم و استکبار شکل نگیرد می‌بینید. انگشت‌ها ایرانی‌ها را نشان می‌دهند، چون اروپایی‌ها از آلمان، انگلیس تا فرانسه و بر تغال صرفا به فضا عمده استعمار و استثمار و چپاول وارد آفریقا شدند اما ایرانی‌ها به قدر خیرخواران منتاً ساخت‌وساز و سازندگی بودند و شما امروز در آفریقا بناها و آثار بانکوه معماری را می‌بینید که شبیه همان بناهایی است که ما در شیراز، اصفهان می‌بینید. این تشابه در منطقه آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی هم به چشم می‌خورد.

یا مثلاً حضور و نفوذ فرهنگ ایران در شبه قاره هند. حافظ می‌گوید «شکرشکن شوند همه طوطیان هند/زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود» و می‌دانیم، فارسی تا قبل از استعمار انگلیس زبان رسمی و اداری هندوستان بوده است. جالب و عبرت آموز است که تغییر این متن هم محصول حضور انگلیس در نظام حاکم بر هندوستان بوده است.

یعنی اگر ایران نفوذی هم داشته به واسطه نفوذ فرهنگ بوده است.

و خیر خواهانه! همچنان که امروز می‌بینیم، انقلاب اسلامی ایران در مقابله با استکبار، شعار حمایت از پارهت‌ها و مستضعفین را طرح کرد. اساساً ساختار بسیج ما هم بسیج مستضعفین است. اصلا اشاره‌ای نکرده مسلمان هستند یا خیر. مستضعف یعنی کسی که از سوی مستکبرین دنیا به استضعاف کشیده شده و به خاطر همین است. معتقدیم اگر استکبار نباشد مستضعفی هم نیست و اینجاست که آن عدالت مفهوم پیدا می‌کند. طبیعی است در دنیای امروز کسی که کمتر زحمت می‌کشد، کمتر بر خوردار است و بر عکس. البته به شکل طبیعی و نه به شکل سرمایه‌داری لیبرالیستی خب این می‌شود عدالت اما فضا مفهوم متعالی‌تری است که در دوره اولیای الهی و حضرت ولی‌عصر(عج) محقق خواهد شد.

اجازه دهید قدری جزئی‌تر وارد بحث شویم. ما در دنیایی با روابط پیچیده زندگی می‌کنیم. معیشت و معاش مردم باید تأمین شود. از طرفی باید حواسمان به تصویری باشد که از ما در منطقه و جهان ساخته می‌شود. از طرفی ضعف‌هایمان را در اقتصاد و سهم کوچک‌مان را در تجارت جهانی می‌دانیم. حال پرسش این است، چطور می‌شود این آرمان‌ها را با واقعیت‌ها جمع بست. ما در دنیای واقعیت‌ها زندگی می‌کنیم. شما تجارب زیسته در روابط خارجی داشته‌اید. خب شاید برخی گمان کنند، استکبارستیزی نوعی دعوت به انزواست. اینکه ما در خودمان دیواری بکشیم و ما وداتی با دنیا نداشته باشیم، ما به تعامل نیاز داریم. در سخن رهبری هم آمده بود مبارزه کاملاً خردمندانه است. ما چطور می‌توانیم این دو مؤلفه را کنار هم داشته باشیم؟

ظرفیت‌های خاموش ما را در عرصه‌های مختلف فعال کنند اما استقبال از تحریم را نمی‌توانم هضم کنم. اینکه متلاً ما خودمان را در معرض تحریم قرار دهیم.

من نمی‌خواهم از مراجعه به درونگرایی، درون‌نگری و انسجام درونی به این نتیجه برسم که پس ما نباید با کسی ارتباط داشته باشیم، همچنان که سوابق روابط خارجی ما با کشورهای دیگر همین را نشان می‌دهد که ما با وجود خصومت‌های آشکار دولت‌های غربی، توطئه‌ها و تجهیزهای آنها علیه انقلاب همچنان روابط خود را با آنها با به مصالحی حفظ کردیم. حرف من این است، اتفاقا موقعی که ریشه ما محکم می‌شود تکیه‌گاه خوبی در صحنه بین‌الملل می‌شویم. وقتی ما انسجام درونی داشته باشیم می‌توانیم به بازیگران جدیدی در فضای بین‌الملل نظیر ذهیب خب در مشی فعلی مستکبرین دنیا هستند که به این بازیگران جدید نظم می‌دهند و برای خود در دفاع از تفکر استکباری تبیر درست می‌کنند. اما ما به شرط درونگرایی و توجه به توانمندی‌های داخلی می‌توانیم نظم جدید را در دنیا پایه گذاری کنیم. همان نظمی که حضرت آقا از آن به عنوان فرایند تمدن اسلامی یاد می‌کنند. شما می‌دانید واژه تمدن یعنی ساختار بین‌المللی، چون تمدن محدود به یک کشور و منطقه و جغرافیا نیست. یک نگاه بین‌المللی و جهانی است و تا این ضرورت شکل نگیرد، ظهور امام زمان محقق نخواهد شد.

خیلی روشن بگویم یک زمان لازم بود اعتقادات الهی، معرفی و در یک مدل حکومتی تثبیت شود، خب این را متوسم امام زحمت کشیدند، از خیلی سال قبل از انقلاب تا پیروزی و دوران حیات ایشان. قدم دوم این است، این ساختار در دنیا به یک مدل تبدیل شود اما می‌دانیم، این اتفاق با رکود فکری، تلاش نکردن، تنبلی و

> **وقتی در فلسفه نزول پیامبر عزیز ما و دوران ۲۳سالی که بعد از بعثت سپری شد، تأمل می‌کنید، می‌بینید کلیدواژه بر جسته همین استکبارستیزی است. شعارهای مبنایی اسلام همین‌ها هستند: استکبارستیزی، عدالت‌طلبی، پرهیز از اشرافی‌گری و حمایت از مستضعفان که کلیدواژه‌های اصلی انقلاب اسلامی را هم شکل داده‌اند، بنابراین انقلاب اسلامی در این‌باره چیز جدیدی عرضه نکرده، بلکه آن‌ها را به زبان پیامبر خاتم‌به بشریت عرضه شد، با همان کلیدواژه‌ها و با مصادیق امروزی بیان کرده است، ضمن اینکه مصادیق امروزی این گفتمان الهی را هم در کلام حضرت امام(ره) و هم در کلام حضرت آقا به عنوان امامین انقلاب اسلامی به وضوح می‌بینیم**

یعنی یک رشد متوازن در همه ساحت‌های زندگی.

بله و کارگزاری که این رشد را بفهمد و به آن انسجام دهد. به خاطر همین گفتم ما نیاز به تربیت حکمران داریم چون نظام ما جمهوری است. این حکمران باید از همه سلایق سیاسی باشد، سلایق سیاسی که اسلام و نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند.

خیلی وقت‌ها موضوع استکبارستیزی به ویژه برای نسل جوان ما یک امر شعاری و حوصله به بر نظر می‌رسد و آن منابع و ریشه‌های معرفتی، فکری، سیاسی و تاریخی به چشم نمی‌آید.

درست است چون آن مفهوم را متوجه نشده‌اید. هنوز نتوانسته‌ایم بن مایه‌های فرهنگ خودمان و بن مایه‌های فرهنگ استکباری را شفاف و روشن ارائه کنیم. اینکه ما جلوی پیشرفت و تکنولوژی نیستیم اما محافلی الگوی پیشرفت در تقلید کور کورانه از غرب هستیم. ما می‌گوییم شما دانشگاه‌های خوب غرب را بگیر و خودت مدل‌سازی کن. ببینید در جهان بعد از نظم دو قطبی سیاسی، امریکایی‌ها آمدند بعزم خودشان نظمی را تعریف کنند به نام نظم نوین جهانی. استیتو Rand امریکا در سال ۱۹۹۲ که رسماً جهان سیاسی دوقطبی فرو پاشید و سر آغاز را با ریاست جمهوری، بیل کلینتون دموکرات بود که گفت ما باید مدلی را برای دنیا ارائه کنیم. چون اگر ما ارائه نکنیم مدل رایج و یکه تاز در دنیا مدل مهدوی می‌شود، مدلی برگرفته از انقلاب اسلامی در ایران. توجه کنید که من اینها را نمی‌گویم. استیتو Rand در امریکا می‌گوید که در آن یک گروه سیاسی تراز اول بازنشسته امریکایی دور هم جمع شده‌اند و تولید فکر می‌کنند.

این موضوع را همان سال ۹۲ میلادی اعلام می‌کنند؟

بله بعد از قطعی شدن فروپاشی بلوک شرق در سال ۹۱، استیتو Rand از ابتدای سال ۹۲ بسته‌ای را به رئیس جمهور امریکا پیشنهاد می‌کند و می‌گوید، اگر شما تجدید نظمی در دنیا حاکم می‌شود، متأثر از انقلاب اسلامی، آنها به این نظم می‌گویند مدل مهدوی، منجی آخرالزمانی که شبیه‌ه انقلاب اسلامی به آن معتقد است. لذا با این رویکرد، نظم نوین جهانی در ساختار امریکا و با همکاری رئیس جمهور رد می‌افتد و از سال ۱۹۹۲ به قانون تبدیل می‌شود. از طرفی شما می‌دانید هر جا زدن و پر گرفته در امریکا به قانون تبدیل می‌شود به این معناست که برایش سالانه بودجه تعیین می‌کنند و ساختار و کارگزار قائل می‌شوند. بعد هم نظم نوین جهانی را به حرف استراتژی‌ها و خرده راهبردها تبدیل می‌کنند. ما نمونه‌ها از آنها که به منطقه ما مربوط است خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ است. همان موقع موانع اجرایی‌سازی نظم نوین جهانی، با مدل امریکایی را هم مطرح می‌کنند و می‌گویند منع اول، جهان اسلام، منع دوم، چین و منع سوم روسیه به عنوان میراث‌دار شوروی سابق است و همانجا پیشنهاد می‌دهند، ما برای برداشتن این موانع باید این کشورها را تکه تکه کنیم. لذا استراتژی‌هایی را به مرور، طی سال‌های بعد تحت دستور قرار می‌دهند و تبدیل به قانون می‌کنند. یکی همین خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ است. می‌گویند ۵۶ کشور اسلامی باید به ۲۰۰ کشور خرد شوند. اینها پر مجموعه استراتژی‌های آن استراتژی اصلی است. برای چین همین نسخه را می‌پیچند که چین باید تکه پاره شود، برای روسیه هم همینطور. اموقع می‌گویند جمهوری فدرال روسیه باید به هشتاد واندی کشور تبدیل شود تا ما بتوانیم نظم نوین جهانی را با مدل امریکایی پیاده کنیم، دیل این تحرکات هم دو مفهوم است یکی جهانی شدن و یکی جهانی سازی.

برخی معتقدند، جهانی‌سازی با توجه به تغییرات سرسام آوری که در زندگی امروز بشر پدید آمده و فناوری‌هایی که مرزها و فاصله‌های زمانی و جغرافیایی را برداشته‌اند امری محتوم و گریزناپذیر است.

ما با جهانی شدن مخالف نیستیم، جهانی شدن یعنی همه چیز برای همه این همان است که اسلام هم می‌گوید. می‌گوید رفاه، بهداشت، آموزش، مخابرات، اینترنت و... برای همه باشد اما در برابر واژه Globalization یا جهانی شدن یک واژه دیگر داریم به نام Globalism که می‌گوید خب حاکرا در این دهکده جهانی که قرار است کنار هم باشید چه کسی الگو و کدخداست؟ آنها می‌گویند امریکا و نظام لیبرالیسم ما می‌گوییم نه اسلام عزیز.

خب اهم‌ام اجرایی این حقه کجاست؟

همچنان که اشاره کردم ما اگر در دنیای امروز بخواهیم آرمان‌های خود را جریان پیشرفت تکنولوژی، اتحاد و مجموعه روندی که در دنیاست ممزوج کنیم نیاز به حکمران‌هایی داریم که به هر دو این عوالم معتقد، آشنا و مسلط باشند، هر دو را در کنار هم ببینند و با سلیقه و مشی سیاسی خودشان پیش ببرند.

اینجا ما یک الگو نداریم. نظام جمهوری اسلامی، حاوی چندین سلیقه سیاسی است. واقعاً این جمهوریت در نظام، مفهوم و مصداق دارد. ببینی از هفت، هشت سلیقه سیاسی که هر کدام جریان‌ها، احزاب و تشکل‌های مختلفی را نمایندگی می‌کنند در این میان نقش آفرینی دارند. اما خلأ همچنان نبود حکمران تربیت شده است. البته در این چهار، پنج سال اخیر چندین مدرسه و دانشکده حکمرانی تأسیس شده است. در واقع خلأ را پذیرفته‌ایم. این مدارس و دانشکده‌ها فعلاً محتوا تولید می‌کنند، بعد این محتوا قرار است به تربیت حکمران منجر شود. این البته موضوع غریبی نیست. در دنیای امروز کشورهای پیشرو این کار را می‌کنند. حالا در این مدرسه حکمرانی این سلایق باید تربیت شوند که فردا وقتی فرد در انتخابات پیروز شد، نگوید نقطه سر خط که تازه از صفر شروع کند چون این قدر تربیت شده و از قبل می‌دانند چه کند.

آن وقت موضوعیت استکبارستیزی، تلاش برای آبادانی کشور و الگو شدن برای دنیا، موضوعی حل شده است. اینطور نیست که سر اصول و آرمان‌های بدیهی انقلاب اسلامی یا مفاهیم اسلام بحث کنیم. آن چیزی که نهایت انتظار مردم جامعه ما و جهان اسلام است، همین است. موقعی که ما در وعده صادق یک دو و قبل از آن در عین‌الاسد کیلومتری را برای دفاع از خود در برابر استکبار جهانی انجام دادیم - چون ما معتقدیم رژیم صهیونیستی عضو خط مقدم، استکبار جهانی مرکب از امریکا، انگلستان، آلمان و اعوان و انصارش است - آنها دیدند، کشور ایران که تا چند سال پیش موجود حمله قرار گرفته شده، گرفتار و تحت تحریم بود به تکنولوژی‌ای رسیده که تا حالا رونمایی نشده بود، این جا بود که موجی از شادی و شعف را در جهان اسلام و حتی کشورهای غیر اسلامی دیدیم. الحمدلله پر چم نظامی ما بالاست چون توانستند به توانرنی از اعتقادات اسلامی و حرکت در مرزهای علم برسند. شما ببینید در هشت سال دفاع مقدس صدام شهرهای ما را بمباران می‌کرد و زن و بچه‌ها را می‌کشت. ما در آمار شهیدای دفاع مقدس، نزدیک ۵۰هزار شهید داریم که عمدتاً زن و بچه و ساکخورده‌ها بودند که در خانه‌های مسکونی شهید شدند، یعنی بیشتر از شهدای غزه. این راهی است که ما هم رفته‌ایم.

اگر ما می‌خواهیم پرچم مبارزه را به شکلی خردمندانه به اهتزاز در آوریم، از همه سلایق و جریان‌های مختلف سیاسی باورمند به اعتلا و رشد کشور به جوانان خبره و نخبه نیاز داریم و این هم اتفاقا نشان‌دهنده استقرار و کارکرد جمهوریت نظام است. شما می‌دانید حضرت امام از همان روز نخست فرمودند: «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر.» اصلا دنبال مدل غیر جمهوری نبودند. بعد خدا ببینید ما برای نسل فعلی‌مان در این حوزه‌ها باید گفتمان‌سازی کنیم و تمایز قائل شویم که اگر ما نتوانسته‌ایم و گاهی دچار لغزش شده‌ایم این مربوط به اصالت آن الگو و گفتمان نبوده، بلکه صادقانه بیذیریم عیار مسلمانی‌مان پایین بوده است. این موضوع متأسفانه با کارکرد عناد و رزانه رسانه‌های دشمنان ما به یک روند انحرافی جاری تبدیل شده است

برای اینکه شهرهای ما بی‌دفاع بود.

توجه کنید ما هم نرفتیم این بلا را سر طرف مقابل بیاوریم. نه اینکه نمی‌توانستیم، نخواستیم. الان هم در همین مقابله به مثل‌های اخیر با اسرائیل می‌شد این ۲۰۰ موشکی که بیش از ۱۸۰ فروند آن به هدف خورد به شهرک و مناطق مسکونی اصابت کند و هزاران نفر را به خاک و خون بکشند. اما ما نکردیم. نظامیان ما از سپاه، ارتش و ستاد کل و وزارت دفاع ما نشان دادند ترکیب این دو را بدیرفته‌اند. ترکیب آرمانگرایی و تکنولوژی امروز، ترکیب اخلاق‌مداری و رزم است و ما گفتیم تا زمانی که مجبور نشویم آن کار را نمی‌کنیم.

درباره سلاح هسته‌ای چطور؟

درباره سلاح هسته‌ای هم قضیه همین است. در حکم اولیه طبق فتوای ولی‌فقیه حرام است اما اگر ما را مجبور کنند همین حکم، حکم ثانویه هم دارد. ما فعلاً در آن عرصه‌ها ورود نکرده‌ایم. می‌توانستیم اما بنا به مصالحی انجام ندادیم. پس آن چیزی که در بررسی ناهمسویی‌ها اتفاق نمی‌افتاد.

یعنی یک رشد متوازن در همه ساحت‌های زندگی.

بله و کارگزاری که این رشد را بفهمد و به آن انسجام دهد. به خاطر همین گفتم ما نیاز به تربیت حکمران داریم چون نظام ما جمهوری است. این حکمران باید از همه سلایق سیاسی باشد، سلایق سیاسی که اسلام و نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند.

خیلی وقت‌ها موضوع استکبارستیزی به ویژه برای نسل جوان ما یک امر شعاری و حوصله به بر نظر می‌رسد و آن منابع و ریشه‌های معرفتی، فکری، سیاسی و تاریخی به چشم نمی‌آید.

درست است چون آن مفهوم را متوجه نشده‌اید. هنوز نتوانسته‌ایم بن مایه‌های فرهنگ خودمان و بن مایه‌های فرهنگ استکباری را شفاف و روشن ارائه کنیم. اینکه ما جلوی پیشرفت و تکنولوژی نیستیم اما محافلی الگوی پیشرفت در تقلید کور کورانه از غرب هستیم. ما می‌گوییم شما دانشگاه‌های خوب غرب را بگیر و خودت مدل‌سازی کن. ببینید در جهان بعد از نظم دو قطبی سیاسی، امریکایی‌ها آمدند بعزم خودشان نظمی را تعریف کنند به نام نظم نوین جهانی. استیتو Rand امریکا در سال ۱۹۹۲ که رسماً جهان سیاسی دوقطبی فرو پاشید و سر آغاز را با ریاست جمهوری، بیل کلینتون دموکرات بود که گفت ما باید مدلی را برای دنیا ارائه کنیم. چون اگر ما ارائه نکنیم مدل رایج و یکه تاز در دنیا مدل مهدوی می‌شود، مدلی برگرفته از انقلاب اسلامی در ایران. توجه کنید که من اینها را نمی‌گویم. استیتو Rand در امریکا می‌گوید که در آن یک گروه سیاسی تراز اول بازنشسته امریکایی دور هم جمع شده‌اند و تولید فکر می‌کنند.

این موضوع را همان سال ۹۲ میلادی اعلام می‌کنند؟

بله بعد از قطعی شدن فروپاشی بلوک شرق در سال ۹۱، استیتو Rand از ابتدای سال ۹۲ بسته‌ای را به رئیس جمهور امریکا پیشنهاد می‌کند و می‌گوید، اگر شما تجدید نظمی در دنیا حاکم می‌شود، متأثر از انقلاب اسلامی، آنها به این نظم می‌گویند مدل مهدوی، منجی آخرالزمانی که شبیه‌ه انقلاب اسلامی به آن معتقد است. لذا با این رویکرد، نظم نوین جهانی در ساختار امریکا و با همکاری رئیس جمهور رد می‌افتد و از سال ۱۹۹۲ به قانون تبدیل می‌شود. از طرفی شما می‌دانید هر جا زدن و پر گرفته در امریکا به قانون تبدیل می‌شود به این معناست که برایش سالانه بودجه تعیین می‌کنند و ساختار و کارگزار قائل می‌شوند. بعد هم نظم نوین جهانی را به حرف استراتژی‌ها و خرده راهبردها تبدیل می‌کنند. ما نمونه‌ها از آنها که به منطقه ما مربوط است خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ است. همان موقع موانع اجرایی‌سازی نظم نوین جهانی، با مدل امریکایی را هم مطرح می‌کنند و می‌گویند منع اول، جهان اسلام، منع دوم، چین و منع سوم روسیه به عنوان میراث‌دار شوروی سابق است و همانجا پیشنهاد می‌دهند، ما برای برداشتن این موانع باید این کشورها را تکه تکه کنیم. لذا استراتژی‌هایی را به مرور، طی سال‌های بعد تحت دستور قرار می‌دهند و تبدیل به قانون می‌کنند. یکی همین خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ است. می‌گویند ۵۶ کشور اسلامی باید به ۲۰۰ کشور خرد شوند. اینها پر مجموعه استراتژی‌های آن استراتژی اصلی است. برای چین همین نسخه را می‌پیچند که چین باید تکه پاره شود، برای روسیه هم همینطور. اموقع می‌گویند جمهوری فدرال روسیه باید به هشتاد واندی کشور تبدیل شود تا ما بتوانیم نظم نوین جهانی را با مدل امریکایی پیاده کنیم، دیل این تحرکات هم دو مفهوم است یکی جهانی شدن و یکی جهانی سازی.

برخی معتقدند، جهانی‌سازی با توجه به تغییرات سرسام آوری که در زندگی امروز بشر پدید آمده و فناوری‌هایی که مرزها و فاصله‌های زمانی و جغرافیایی را برداشته‌اند امری محتوم و گریزناپذیر است.

ما با جهانی شدن مخالف نیستیم، جهانی شدن یعنی همه چیز برای همه این همان است که اسلام هم می‌گوید. می‌گوید رفاه، بهداشت، آموزش، مخابرات، اینترنت و... برای همه باشد اما در برابر واژه Globalization یا جهانی شدن یک واژه دیگر داریم به نام Globalism که می‌گوید خب حاکرا در این دهکده جهانی که قرار است کنار هم باشید چه کسی الگو و کدخداست؟ آنها می‌گویند امریکا و نظام لیبرالیسم ما می‌گوییم نه اسلام عزیز.

خب اهم‌ام اجرایی این حقه کجاست؟

همچنان که اشاره کردم ما اگر در دنیای امروز بخواهیم آرمان‌های خود را جریان پیشرفت تکنولوژی، اتحاد و مجموعه روندی که در دنیاست ممزوج کنیم نیاز به حکمران‌هایی داریم که به هر دو این عوالم معتقد، آشنا و مسلط باشند، هر دو را در کنار هم ببینند و با سلیقه و مشی سیاسی خودشان پیش ببرند.

اینجا ما یک الگو نداریم. نظام جمهوری اسلامی، حاوی چندین سلیقه سیاسی است. واقعاً این جمهوریت در نظام، مفهوم و مصداق دارد. ببینی از هفت، هشت سلیقه سیاسی که هر کدام جریان‌ها، احزاب و تشکل‌های مختلفی را نمایندگی می‌کنند در این میان نقش آفرینی دارند. اما خلأ همچنان نبود حکمران تربیت شده است. البته در این چهار، پنج سال اخیر چندین مدرسه و دانشکده حکمرانی تأسیس شده است. در واقع خلأ را پذیرفته‌ایم. این مدارس و دانشکده‌ها فعلاً محتوا تولید می‌کنند، بعد این محتوا قرار است به تربیت حکمران منجر شود. این البته موضوع غریبی نیست. در دنیای امروز کشورهای پیشرو این کار را می‌کنند. حالا در این مدرسه حکمرانی این سلایق باید تربیت شوند که فردا وقتی فرد در انتخابات پیروز شد، نگوید نقطه سر خط که تازه از صفر شروع کند چون این قدر تربیت شده و از قبل می‌دانند چه کند.

آن وقت موضوعیت استکبارستیزی، تلاش برای آبادانی کشور و الگو شدن برای دنیا، موضوعی حل شده است. اینطور نیست که سر اصول و آرمان‌های بدیهی انقلاب اسلامی یا مفاهیم اسلام بحث کنیم. آن چیزی که نهایت انتظار مردم جامعه ما و جهان اسلام است، همین است. موقعی که ما در وعده صادق یک و دو و قبل از آن در عین‌الاسد کیلومتری را برای دفاع از خود در برابر استکبار جهانی انجام دادیم - چون ما معتقدیم رژیم صهیونیستی عضو خط مقدم، استکبار جهانی مرکب از امریکا، انگلستان، آلمان و اعوان و انصارش است - آنها دیدند، کشور ایران که تا چند سال پیش موجود حمله قرار گرفته شده، گرفتار و تحت تحریم بود به تکنولوژی‌ای رسیده که تا حالا رونمایی نشده بود، این جا بود که موجی از شادی و شعف را در جهان اسلام و حتی کشورهای غیر اسلامی دیدیم. الحمدلله پر چم نظامی ما بالاست چون توانستند به توانرنی از اعتقادات اسلامی و حرکت در مرزهای علم برسند. شما ببینید در هشت سال دفاع مقدس صدام شهرهای ما را بمباران می‌کرد و زن و بچه‌ها را می‌کشت. ما در آمار شهیدای دفاع مقدس، نزدیک ۵۰هزار شهید داریم که عمدتاً زن و بچه و ساکخورده‌ها بودند که در خانه‌های مسکونی شهید شدند، یعنی بیشتر از شهدای غزه. این راهی است که ما هم رفته‌ایم.

دائمی است. به این معنا استکبارستیزی اولاً معطوف به تربیت درونی شخص است. قاعدتاً کسی که اهل پرهیز نباشد نمی‌تواند این کار را پیش ببرد و در ثانی برنامه‌ای که نظام سیاسی برای تربیت افراد دارد، نمونه و مصداق باید این موضوع را در تربیت حکمران بیان کردید اما به نظر می‌رسد ما در این زمینه ضعف‌های اساسی داریم. مثلاً پیوند نظام آموزشی کشور با حقوق‌ها به نام استکبارستیزی یک پیوند تقویمی، خشک و غیر ارگانیک است.

من قدری مصداقی‌تر در این‌باره سخن می‌گویم. ۲۶سال از انقلاب گذشته است. فضای زمانی کار در دستگاه‌های دولتی ۵۰ساله است. حالا برخی به فراخور ۲۰سال هم هستند. خب الان چه آن ۳۰ساله‌ها چه آن ۲۰ساله‌ها دیگر نیستند. بعضاً وقتی با کسی از همین گروه مدیران در داخل و خارج صحبت می‌کنید، می‌بینید این کارگزاران بعد از اینکه از مناصب خود فاصله می‌گیرند، حرف‌های دیگری می‌زنند.

مثال می‌زنید؟

مثلاً سخنی روز ۱۳ آبان سال ۵۸ از دیوارهای سفارت امریکا بالا رفته و دانشجوی دانشگاه تهران بوده و خودجوش بدون آن که از جایی سفارش و پول بگیرد رویدادی را رقم زده که حضرت امام(ره) از آن به عنوان انقلاب دوم و مهم‌تر از انقلاب اول یاد کردند. می‌گویم امام در حمایت از شما با استعفای دولت موقت که خودش منصوب کرده بود، موافقت کرد. الان که پا به سی گذاشته‌ای و کارگزار نیستی چرا حرف دیگری می‌زنی؟ استکبارستیزی که نباید ابزار نمایش، تظاهر و محدود به سن خدمت باشد و بعد از اینکه من از آن نظام اداری، بیرون می‌آیم نوع دیگری موضع بگیرم. ایامی که کارگزار نظام بودم این حرف‌ها را بزنم بعد که کنار رفتم یا بازنشست شدم بگویم این حرف‌ها دوزانی داشته و حالا دوران این حرف‌ها تمام شده است.

متن این است که لباس یا یونیفرم اداری بوشیده‌ای و وقتی از اداره بیرون می‌آیی آن یونیفرم یا لباس را از تن بیرون می‌کنی.

بله، در حالی که ما هر روز باید نسبت به روز قبل یک قدم جلوتر باشیم. البته این اتفاقات ماحصل در جازدن و پر گرفته معرفتی و کارکردی است. چه در داخل، چه در صحنه بین‌الملل و چه رسیدن به اهداف. این فرمایش معصوم است که اگر امروز شما از دیروزتان جلوتر نبود بدانید در خسران هستید. پس نکته دوم این است که ما هر روز باید بهتر از دیروز باشیم و اینطور نیست که ترمز دستی را بکشیم و بگوییم تمام. نسل جدید از کجا باید در جریان این میراث، گفتمان و تفکر قرار گیرد. این نیازمند تربیت است. همه این ضرورت‌ها باید به طوری هوشمندانه و ظریف در نظام آموزشی کشور، چه در مدارس و چه در دانشگاه‌ها گنجانده شود و گرنه به تعبیر شما استکبارستیزی به یک نماد خشک و بی‌روح بدل خواهد شد. در صورتی که یک نماد جاری، ساری و فعال نیاز داریم.

**امام(ره) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در همین ایام در نوفل لوشاتوی فرانسه در پاسخ به یک خبرنگار فرانسوی که می‌پرسد شما که می‌خواهید در ایران انقلاب کنید به مردم ایران و دنیا و انقلابیون بگویید چه کسی شاخص انقلابی گری و انقلابی بودن است که مردم خودشان را به این فرد بسنجند و بفهمند انقلابی هستند یا نه. امام(ره) می‌فرمایند: هیچ کس الگوریای ما نمی‌باید شما که می‌خواهید در ایران انقلاب کنید به مردم ایران و دنیا و انقلابیون بگویید چه کسی شاخص انقلابی گری و انقلابی بودن است که مردم خودشان را به این فرد بسنجند و بفهمند انقلابی هستند یا نه. امام(ره) می‌فرمایند: هیچ کس الگوریای ما نمی‌باید شما که در مدرسه دوشان را به این فرد و دنیا و انقلابیون بگویید چه کسی شاخص انقلابی گری و انقلابی بودن است که مردم خودشان را به این فرد بسنجند و بفهمند انقلابی هستند یا نه. امام(ره) می‌فرمایند: هی